انتشار مشهورترین کتاب ادوارد سعید فقط در ۱۰۰ نسخه

لابد می‌دانید شمارگان کتاب‌ها به ۲۰۰ نسخه و صد نسخه رسیده است، اما شاید باور نکنید این اتفاق برای آثار و نویسندگان بزرگ هم در حال رخ‌دادن است. تازه‌ترین خبر این که چاپ چهارم ترجمه لطفعلی خنجی از «شرق‌شناسی» مشهورترین کتاب ادوارد سعید با شمارگان صد نسخه در انتشارت امیرکبیر منتشر شده است. چاپ سوم کتاب در سال ۹۴، هزارنسخه‌ای بود.

اخوان‌خوانی در تالار شهناز

کتاب‌های اخوان را خوانده‌اید؟ چه جوابتان مثبت باشد چه منفی، شما را دعوت می‌کنیم به مراسمی که ضمن گرامیداشت یاد مهدی اخوان‌ثالث با اخوان‌خوانی پنج نفر همراه خواهد بود. آن‌طور که ایسنا خبر داده این مراسم که ساعت ۱۷ روز جمعه پانزدهم شهریور در تالار شهناز خانه هنرمندان برپا می‌شود، با سخنرانی محمد بقایی‌ماکان و اصغر داد به همراه خواهد بود.

گفت‌وگو با مصطفی رحماندوست و نادر قدیانی درباره رشد بی رویه کتاب‌های ترجمه برای کودکان و نوجوانان

تاخت و تاز ترجمه در ذهن بچه‌ها

تعداد عناوین این کتاب‌ها در ۶ ماهه اول امسال به ۱/۵ برابر کتاب‌های تالیفی رسیده است

آذر مهاجر

ادبیات و هنر

کتاب‌های ترجمه، بازار کتاب کودك و نوجوان را تسخیر کرده و عرصه بر نویسندگان ایرانی تنگ شده است. بر اساس آمارهای خانه کتاب، تا پایان سال گذشته تعداد کتاب‌های ترجمه برای گروه سنی کودك و نوجوان فقط کمی از تعداد کتاب‌های تالیفی بیشتر بود، اما در همین شش ماهه اول امسال، تعداد ترجمه‌ها ۱/۵ برابر تعداد تالیف‌ها شده و این یعنی یك بازار ناعادلانه برای نویسنده‌های ایرانی که می‌تواند پیامدهای اقتصادی و فرهنگی زیادی داشته باشد.

جان کلام این‌که اگر نویسنده‌های ایرانی را تولیدکنندگان فرهنگ تعریف کنیم، آنها هم مثل بسیاری از تولیدکنندگان دیگر، زیر بار واردات کالاهای خارجی، کمر خم کرده‌اند و باید فکری به حال‌شان بشود. تمام این ماجراها برمی‌گردد به این‌که انتشار کتاب‌های خارجی با کیفیت و رنگ و لعاب بهتر و زیباتر، مادامی که حق مؤلف یا کپی‌رایت پرداخت نشود، ارزان‌تر از کتاب‌های ایرانی تمام می‌شود. در ضمن، فروش کتاب‌های خارجی تقریبا تضمین شده است و به همین دو علت اصلی ناشران بیشتر از قبل به انتشار کتاب‌های ترجمه مشتاق شده‌اند و در نتیجه مؤلف ایرانی به حاشیه رفته، چه بسا عطای نوشتن را به لقای آن ببخشد. اما خبرهایی از وزارت ارشاد رسیده که از تغییر وضعیت حکایت دارد و گویا اداره صدور مجوز کتاب در این وزارتخانه تلاشی را آغاز کرده برای کنترل افزایش بی‌حساب ترجمه در حوزه کودك و نوجوان.

چرا کتاب ترجمه برای ناشر ارزان تمام می‌شود؟

روال نشر کتاب‌های تالیفی به این ترتیب است که ناشر به نویسنده حق‌التالیف می‌دهد و براساس قراردادهای مشخصی اجازه انتشار کتاب را از نویسنده می‌خرد. پس از آن کتاب وارد مرحله ویرایش می‌شود. کتاب‌های کودك و نوجوان معمولا نیاز به تصویرگری دارند و در نتیجه ناشر باید هزینه‌ای بابت این کار هم پرداخت کند. بعد از همه اینها نوبت به طراحی جلد و صفحه آرایی می‌رسد که این موارد نیز هزینه‌هایی به ناشر تحمیل می‌کند.

روال نشر کتاب‌های ترجمه اما متفاوت است. در این باره خاطره‌ای بخوانید از یك گرافیست که در دفتر انتشاراتی مشغول به کار است. او تعریف می‌کند: معمولا ناشر سالی یکی دو بار، همزمان با نمایشگاه کتاب فرانکفورت یا سایر نمایشگاه‌های معتبر جهانی به خارج از کشور سفر کرده و یك نسخه از کتاب‌های پرفروش حوزه کودك و نوجوان یا حتی بزرگسال را خریداری می‌کند. اگر ناشر امکان مسافرت نداشته باشد از دوست یا آشنایی در آن‌سوی مرزها می‌خواهد کتاب‌های پرفروش را برایش تهیه و ارسال کند.

وقتی کتاب‌ها به دست ناشر می‌رسد، آن را در اختیار من یا یکی دیگر از همکارانم قرار می‌دهد. من تمام صفحات کتاب را اسکن می‌کنم. پرینت اسکن‌ها را برای مترجم می‌فرستیم و فایل اسکن شده تمام صفحاتی را که تصویر دارند در نرم‌افزار فتوشاپ اصلاح می‌کنیم. متن انگلیسی را حذف و رنگ و لعاب تصاویر را درست می‌کنیم. وقتی فرم کلی کتاب مشخص شد و ترجمه‌ها به دستمان رسید، متن ترجمه شده را جایگزین متن خارجی می‌کنیم و بعد از اتمام صفحه‌آرایی، فایل نهایی به چاپخانه ارسال می‌شود.

براساس اظهارات این گرافیست، گاهی ممکن است تصویرهای رنگی کتاب‌های خارجی به صورت سیاه و سفید یا حتی دورنگ درآید که در هزینه‌های چاپ هم صرفه‌جویی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، ناشر در فرآیند ترجمه و بازنشر کتاب‌های خارجی این امکان را دارد که هزینه‌ها را تا جای ممکن کاهش بدهد و درعین حال نگران فروش کتاب مورد نظر نباشد. ضمن این‌که برخی ناشران حتی کتاب خارجی را ترجمه نمی‌کنند و فقط ترجمه‌های موجود در بازار را کمی تغییر می‌دهند و با اسم و گاهی ظاهر متفاوت به چاپ می‌رسانند!

از زبان نویسنده و مترجم

ناشران حساب شده رفتار نمی کنند

مصطفی رحماندوست، از اقدام تازه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بی‌خبر است و نمی‌داند اداره کتاب برای صدور مجوز کتاب‌های ترجمه چه برنامه‌هایی دارد اما درباره بی‌سامانی وضعیت کتاب‌های ترجمه در کشورمان می‌گوید: تردیدی نیست که ما به کتاب‌های ترجمه هم نیاز داریم و لازم است که با فرهنگ‌های دیگر آشنا شویم. معلوم است که بچه‌های ما باید کتاب‌های خارجی را بخوانند و در جریان ادبیات روز جهان باشند اما در کشور ما قانون حق مؤلف رعایت نمی‌شود و این وحشتناك است.

این نویسنده تصریح می‌کند: ما در جهان به این معروف هستیم که آثار دیگران را می‌دزدیم و این اصلا زیبا نیست.

این شاعر و نویسنده نام‌آشنای کودکان ادامه می‌دهد که اگر انتشار آثار ترجمه تابع قوانین جهانی باشد، ناشران حساب‌شده‌تر رفتار می‌کنند و نمی‌توانند مطرح‌ترین کتاب‌های جهان را ارزان‌تر از آثار نویسندگان ایرانی به چاپ برسانند.

رحماندوست که در ترجمه هم دستی دارد، اعتراف می‌کند که سال‌ها پیش، شاید دو دهه قبل او نیز کتاب‌های خارجی را بدون اجازه مؤلف به فارسی ترجمه می‌کرده اما حالا حتما حق مؤلف را در نظر می‌گیرد، چرا که می‌داند بدون پرداخت حق مؤلف چه لطمه بزرگی به صنعت نشر کشور وارد می‌شود.

برای این شاعر، بخش تاسف‌بار ماجرا این است که قانون حق مؤلف یا کپی‌رایت، سال‌هاست که در مجلس مانده و همین باعث شده که بهترین آثار خارجی با آثار معمولی نویسندگان ایرانی در یك سطح و میزان قرار بگیرند.

به اعتقاد رحماندوست، اگر وزارت ارشاد محدودیت‌هایی برای انتشار آثار ترجمه در نظر بگیرد و مثلا بدون اجازه مؤلف، انتشار کتابش به زبان فارسی ممکن نباشد، آن‌وقت دیگر ترجمه ارزان تمام نمی‌شود و فروش کتاب‌های ترجمه، نویسندگان را به سمت نوشتن کتاب‌های بازاری سوق نمی‌دهد و نیز قراردادهای بین ناشران و نویسنده‌ها منصفانه و اصولی خواهد شد نه چیزی که امروز هست. رحماندوست گر چه نگران دور زدن ضوابط مربوط به انتشار کتاب‌های ترجمه است اما همچنان امید دارد که قانون کپی‌رایت به تصویب برسد یا ضوابط انتشار کتاب‌های خارجی به سمت و سویی سوق پیدا کند که بازار نشر ایران برای نویسنده ایرانی منصفانه و عادلانه باشد.

اداره کتاب چه اقدامی کرده است؟

خبر اختصاصی

خواننده جدی صفحات فرهنگی روزنامه که باشید، می‌دانید این روزها سخت پیگیر تصویب لایحه حق مؤلف بوده‌ایم و گزارش‌هایی داشتیم به قلم محمدصادق علیزاده. در ادامه همین پیگیری‌ها، خبرهایی به دستمان رسیده از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که گویا برای صدور مجوز کتاب‌های خارجی در حوزه کودك و نوجوان سختگیری‌هایی در این وزارتخانه آغاز شده است.

به گزارش جام‌جم، طبق ضوابط جدید وزارت ارشاد، ناشر برای دریافت مجوز چاپ کتاب‌های خارجی باید از نویسنده یا ناشر اصلی کتاب‌های خارجی مجوز داشته باشد یا به نوعی حق مؤلف را مد نظر قرار داده باشد تا به این ترتیب افزایش بی‌حساب کتاب‌های ترجمه در حوزه کودك و نوجوان کنترل شود.

به روایت آمار

۵۰/۸ درصد کتاب‌های سال ۹۷ برای کودکان و نوجونان مربوط به آثار ترجمه بود، در حالی که این آمار در شش ماهه نخست سال ۹۸ به حدود ۶۰ درصد رسیده است.

از زبان ناشر

همه اش شایعه است!

نادر قدیانی، مدیر انتشارات باسابقه قدیانی درباره تازه‌ترین اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید، تا به حال به چنین موردی برنخورده است.

این ناشر ضمن این‌که تاکید می‌کند، با قانون حق مؤلف موافق است، از آن استقبال می‌کند و امیدوار است قانونش هرچه زودتر تصویب شود، توضیح می‌دهد: اقدام تازه‌ای که شما می‌گویید در وزارت ارشاد آغاز شده و از ناشران می‌خواهند که اجازه انتشار کتاب‌ها را از مؤلف یا ناشر اصلی بگیرند، در واقع نوعی بی‌قانونی است که بعید می‌دانم وزارت ارشاد مرتکب آن بشود.

قدیانی شنیده‌های ما را شایعه می‌داند و می‌گوید: فکر می‌کنم این شایعات از اینجا آمده که افراد انگشت‌شماری از حوزه‌های دیگر سرمایه‌ای کسب کرده‌اند و بعد وارد دنیای نشر شده‌اند و شایعاتی درباره حق مؤلف به راه انداخته‌اند، درحالی که خرید حق مؤلف استانداردهایی دارد.

موسس انتشارات قدیانی درباره این استانداردها توضیح می‌دهد: اول از هر چیز مجلس شورای اسلامی این قانون را تصویب نکرده است و هنوز هم قانونی وجود ندارد. دوم این‌که اگر قرار باشد ناشری حق مؤلف را رعایت کند، باید پول بردارد و به کشور دیگری برود و مثلا در یك نمایشگاه بین‌المللی یك نویسنده یا ناشر خارجی را ملاقات کند، پول رد و بدل کند و از او مجوز بگیرد که اصلا در شأن ما نیست.

نادر قدیانی به تحریم‌های بانکی و مالی اشاره و تصریح می‌کند که چگونه می‌توان با اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها معامله کرد، وقتی هنوز مجلس مصوبه‌ای در این زمینه ندارد و قانونی تصویب نشده است. او همچنان تاکید دارد که موضوعات مرتبط با حق مؤلف و شایعاتی که این طرف و آن طرف شنیده می‌شود، صرفا توسط برخی از ناشران با همکاری برخی اهالی رسانه و عواملشان در وزارتخانه‌های مختلف از جمله ارشاد و صمت یا دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود و هیاهویی است که به هیچ نتیجه مشخصی نمی‌رسد.

او بار دیگر توضیح می‌دهد اگر وزارت ارشاد براساس شنیده‌های ما از ناشران می‌خواهد که مجوز ناشر و مؤلف کتاب‌های خارجی را برای دریافت مجوز ترجمه ارائه دهند، در حال انجام یك کار غیرقانونی است و تاکید می‌کند که چنین چیزی ممکن نیست.

قدیانی می‌گوید: زمانی که مجلس شورای اسلامی قانون حق مؤلف را مصوب و شورای نگهبان آن را تائید و ابلاغ کرد، همه می‌توانند و باید که به آن عمل کنند. آن وقت انتشارات قدیانی هم مثل تمام ناشران دیگر از این قانون استقبال خواهد کرد.

چون ما موافق پرداخت حق مؤلف هستیم و معتقدم زمانی که ابلاغ بشود نه‌تنها می‌توانیم رایت بخریم، حتی می‌توانیم رایت کتاب‌هایمان را بفروشیم و صنعت نشر رو به جلو حرکت خواهد کرد.

این ناشر اضافه می‌کند که این فقط ما نیستیم که کتاب‌های خارجی را بدون پرداخت حق مؤلف می‌فروشیم، بلکه آنها هم برخی از کتاب‌های ایرانی را بدون پرداخت حق مؤلف منتشر می‌کنند.

عطف

اشاره‌ای به «دو فاخته پایین پای باد» و حسین عباسیان

زیستن با ذات زبان فارسی

صابر محمدی

ادبیات و هنر

غنای تجربه زیسته با زبان فارسی، آرام و قرار را از آدم می‌گیرد. وررفتن با ذات این زبان و دست‌وپنجه نرم‌کردن با متونی که معاشقه کرده‌اند با این ذات، آدم را روزی می‌نشاند جلوی آینه تا از خودش بپرسد چه می‌خواهد و چه می‌جوید. آن وقت است که دست به هر کاری می‌زند تا این تجربه را از مسیری ببرد برساند به مقصدی که معلوم نیست کجاست و چقدر تا آن راه است. این اتفاقی است که برای حسین عباسیان می‌افتد؛ شاعر و نمایشنامه‌نویسی که قصه هم می‌پردازد برای بچه‌ها.

هر وقت به مسیری که او پشت سر گذاشته فکر می‌کنم، به همان غنای تجربه زیسته با ذات زبان فارسی می‌رسم. ۳۶ سالش است. یك روز نوشت: «چرا هر کس که یك آغوش پر احساس می‌خواهد/ همیشه دست گرمش را دو دست سرد می‌گیرد؟» حالا شبکه‌های اجتماعی پر است از این

بیت. همراه با عکس‌هایی از دخترانی در برگریزان پاییز، پسرانی تکیه داده به درختان یخ‌بسته زمستان. البته حسین غزلسرای قهاری بوده و در دیگر قالب های شعر کهن هم استادی کرده، اما حیف است او را با این یك بیت بشناسند. سال‌ها غزل نوشته، ناشری و ویراستاری کرده، شعر دوستانش را در کتابی گردآورده و به بازار فرستاده و بعدها شعرهایی نوشته که غزل و قصیده نبوده‌اند؛ شعرهایی که قرابت می‌برد شاید به بوطیقای شعر دیگر. هنوز هم این شعرها را ادامه می‌دهد و هر بار چیزی که در آنها رنگ می‌بازد، بوطیقای شعر دیگر است و هر بار که چیزی به آنها اضافه می‌شود، تشخص و عیاری فردی است که بسیار برجسته است.

حسین عباسیان، در این حین برای بچه‌ها قصه هم نوشته است و حالا ناشری باید تا آنها را منتشر کند؛ قصه‌هایی که برق از سر بچه‌ها می‌پراند و مغناطیس‌هایی هم می‌کارد در سر بزرگ‌ترها. حالا اما تازه‌ترین تجربه او، تازه‌ترین تجربه زیسته‌اش با هستی بازیگوش زبان فارسی، یك نمایشنامه است: «دو فاخته پایین پای باد» که نشر مسطر آن را منتشر کرده. همان انتشاراتی که پیشتر دو کتاب شعر از مهدی یزدی به بازار فرستاده و در این صفحه درباره‌شان نوشته‌ایم. دو فاخته... همان‌قدر که طرح و اجرای جلد درست و درمانی دارد، دچار صفحه‌آرایی و انتخاب فونت نامناسبی است. اما اینها که ظاهر ماجراست. باطن، همان است که از حسین انتظار می‌رود. همان رفتاری را که چند سالی است با لایه‌های پنهان فارسی در شعرش اختیار کرده، اینجا در این نمایشنامه نیز بر همان رفتار است. با تفاوت‌هایی که طبعا به فراخور فاصله متن تا اجرای یك نمایشنامه باید تمهید می‌شد.

دو فاخته... را چندان نمی‌توان به سنتی از سنت‌های نمایشنامه‌نویسی فارسی منتسب کرد. شاید بتوان آرکاییسمش را به بهرام بیضایی ارجاع داد، بازیگوشی‌هایش را به عباس نعلبندیان و وهم برساخته از فضاهای متکثر را به محمود شجاعی در نمایشنامه «مرگ‌های پس از شنوایی»، اما اینها اگر آدرس غلط دادن هم نباشد، تسهیلاتی در اختیار کسی که می‌خواهد کتاب را دست بگیرد و بخواند نمی‌گذارد. کتاب ۱۱۴ صفحه است و به شمارگان ۵۰۰ و به قیمت ۱۲ هزارتومان منتشر شده است.

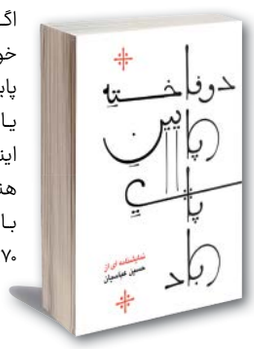

اگر می‌خواهید یکی از خوانندگان دو فاخته پایین پای باد باشید یا از فروشگاه‌های اینترنتی آدینه بوك و هنارس تهیه‌اش کنید با شماره تلفن ۰۲۵۳۲۸۱۶۱۷۰ تماس بگیرید تا برایتان بفرستند.